

کارکردهای آموزشی موقوفه حاج عبدالعلی خان در شهر بیرجند

مرضیه فاریابی^۱

مفید شاطری^۲

سال چهاردهم، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۹

شماره صفحه: ۷۵-۹۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۵

چکیده

وقف به‌عنوان یکی از احکام الهی به واسطه حمایت در ایجاد نهادهای آموزشی و مدارس، پشتوانه‌ای جهت شکوفایی و تقویت فرهنگ اسلامی بوده است. این سنت پسندیده به‌عنوان یک منبع مستمر مالی و پشتوانه مردمی جهت تداوم و پابرجایی مراکز آموزشی برای تربیت طلاب و دانش پژوهان همه اقشار جامعه بوده است. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و برپایه اسناد وقفی و منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، در صدد است تا با بررسی و تحلیل اسناد موقوفات حاج عبدالعلی خان تأثیر وقف را در ایجاد مدارس و در نهایت شکوفایی فرهنگی و آموزشی بیرجند تبیین نماید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دغدغه‌های مردم و حتی حاکمان وقت بیرجند، نبود نهادهای آموزشی و نگرانی از عقب‌ماندگی فرهنگی بوده است که واقف (حاج عبدالعلی خان) با نکته‌سنجی‌های دقیق، علاوه بر حل مشکل مکان جهت برگزاری کلاس‌ها، به هزینه طلاب، لباس و کتاب آن‌ها نیز توجه کرده و با وقف رقبات متعدد (اموال و املاک) بر مرکز آموزشی و فرهنگی موقوفه خود که شامل مجموعه مسجد، مدرسه علمیه، حسینیه و آب‌انبار بوده، الگویی از تأسیس

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

faryabi1991@yahoo.com

۲. استادیار گروه جغرافیا دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند mshateri@birjand.ac.ir

مراکز آموزشی و فرهنگی را برای شهر بیرجند ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: وقف، آموزش و پرورش، بیرجند، مدرسه حاج‌عبدالعلی‌خان

مقدمه

توجه ویژه به وقف در زمینه آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین ثمرات و کارکردهای آن است که علاوه بر جنبه کالبدی آن (تأسیس نهادهای آموزشی مانند مدارس یا کتابخانه‌ها)، واقفان و بزرگان شهر اموال غیرمنقولی را نیز جهت نگهداری این نهادها وقف می‌کردند. مهم‌ترین نقش وقف در توسعه فرهنگ و تمدن، توسعه‌ی معنوی جامعه است، بدین مفهوم که جامعه در بُعد الهی، دینی و ارزش‌های معنوی خویش بیشتر از ابعاد مادی رشد می‌کند، زیرا وقف از دیدگاه انسانی و معنوی عبارت است از به خدمت گرفتن ارزش‌ها و امکانات مادی به نفع ارزش‌های معنوی؛ به همین خاطر است که گسترش فرهنگ وقف، یکی از عمده‌ترین عامل از بین برنده تراکم ثروت در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای رشد ارزش‌های معنوی و الهی در شکل توزیع عادلانه ثروت محسوب می‌شود (جوادی، ۱۳۸۸: ۷). اوقاف به سبب تحصیل درآمد مادی، بهترین و بیشترین کسب درآمد را در امر آموزش و پرورش در جوامع اسلامی دارا است؛ چه بسا که اگر مدرسه یا مؤسسه آموزشی‌ای تحت لوای سنت وقف نبود شاید رسیدگی به آن به نحو شایسته‌ای شکل نمی‌گرفت و هیچ دانش‌آموز، طلبه و یا دانشجویی به تحصیل در آن جا نمی‌پرداخت یا این که اساساً مدرسه‌ای ایجاد نمی‌شد. اما قرار گرفتن تعلیم و تربیت تحت سنت وقف، سبب اختصاص رقبات، شکل‌گیری، نگهداری و پایداری مدرسه، پرداخت حقوق مدرسان، کمک هزینه دانش‌آموزان و طلاب و حتی تهیه وسایل تحصیلی شده است. در واقع با نگاهی گذرا به وقف نامه‌ها و نمودهای عینی آن در ممالک اسلامی در می‌یابیم که واقفان برای پیشبرد علم و بالا بردن توانایی‌های فرهنگی جامعه به تأسیس مدارس توجه می‌کردند؛ لذا مدارس، مؤسسات فرهنگی، آموزشی و درمانی بسیاری از رهگذر عمل به سنت ستوده و استوار وقف، از گذشته‌های بسیار دور به یادگار مانده است.

در نوشتار حاضر سعی شده است با استفاده از اسناد و مدارک وقفی و منابع شفاهی مرتبط با

موقوفات، با تأکید بر بخش آموزش موقوفه حاج عبدالعلی خان که کارکردهای متنوع اجتماعی و فرهنگی نیز داشته است، جایگاه وقف در آموزش و پرورش شهر بیرجند، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و برپایه اسناد وقفی و منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. از آن جایی که نهاد آموزش و پرورش، تا قبل از راه اندازی مدارس به شیوه مدرن، به کمک نهاد وقف تقویت و حمایت می‌شده، لذا اسناد وقفی و بویژه وقف نامه‌ها مهم‌ترین منبع استناد این پژوهش بوده است، هر چند که برای تکمیل اطلاعات از دیگر اسناد مکتوب موجود همچون کتب و مقالات نیز بهره گرفته شده است.

تعریف وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن، اندکی درنگ کردن در بین کلام و دوباره شروع کردن است (عمید، ذیل واژه "وقف")، اقامت کردن و به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن (دهخدا، ذیل واژه "وقف") و در اصطلاح به معنای حبس کردن ملک یا مستغلی در راه خدا، زمین، ملک یا مستغلی که برای مقصود معینی در راه خدا (معین، ذیل واژه "وقف") یا حفظ و نگهداری اموالی خاص جهت بکارگیری منافع آن در کارهای انسان دوستانه و امور خیریه به شرط آن که منافع فقط در هدف یا اهداف تعیین شده برای آن مصرف شود، است (منذر، ۱۳۸۵: ۶۲).

رویکرد فرهنگی وقف

تنوع مصارف وقف نشانگر نیازهای هر جامعه و جو فرهنگی حاکم بر افکار عمومی هر دوره است. کارکردهای وقف در شرایط زمانی و مکانی خاص خود از مؤثرترین عوامل توسعه شهرها بوده است. دیدگاه‌های متفاوت سنت وقف به همراه رویکردهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دینی-مذهبی، شهری و زیست محیطی نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در رشد و توسعه جوامع اسلامی بوده است. مروری بر تاریخچه وقف در شهرها نشان می‌دهد که بخش زیادی از موقوفات به مراکز علمی و آموزشی چون دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز تحقیقاتی و ... اختصاص دارد که از رویکرد فرهنگی نهاد وقف حکایت می‌کند. در گذشته بسیاری از مراکز فرهنگی از طریق موقوفات اداره می‌شد و تعداد

زیادی از اقشار کم درآمد جامعه که برخی از استعداد‌های درخشانی هم برخوردار بودند و به علت نداشتن امکانات قادر به تحصیل نبودند به این مدارس و مراکز وارد می‌شدند.

گزارش‌های زیادی در تاریخ راجع به آثار مثبت و کارکرد نیکوی وقف مندرج است. از آن جمله ابومنصور یکی از وزرای آل بویه کتابخانه خود را که دارای ۱۹۰۰۰ جلد کتاب بود برای طالبان علم وقف کرد. یا بیت‌الحکمه، نخستین نهاد رسمی آموزشی بود که توسط مأمون تأسیس شد (نوری، ۱۳۷۹: ۴۵).

نقشی که وقف از طریق توسعه کمی و کیفی فضاهای آموزشی، فرهنگی، هنری و مانند آن در فرآیند بهبود وضع فرهنگی جامعه ایفا می‌کند، بسیار مهم است و این نقش می‌تواند به وسیله تأثیر مستقیم توسعه همه جانبه فضاهای آموزشی و فرهنگی بر بهبود وضع فرهنگی اجتماع؛ کمک به کمبود فضاها و تجهیزات مورد نیاز آموزشی، فرهنگی، هنری و ...؛ در این عرصه بیش از پیش آشکار شود (شهرامی، ۱۳۸۲: ۳۸).

نقش وقف در شکل‌گیری فضاهای آموزشی

سیستم آموزشی ایران قبل از ایجاد مدارس، مکتب‌خانه‌ای بوده است. مکتب‌خانه مکانی بوده که بیشتر کودکان برای آموزش خط، حساب، ادبیات عربی و فارسی و فراگیری قرآن کریم در آن حاضر می‌شدند و تحصیل علوم تجربی در آن جایگاهی نداشت. نخستین جایگاه آموزش‌های اسلامی مساجد بودند. از این‌رو، اولین مکتب‌خانه‌ها هم در مساجد تشکیل شدند؛ سپس تکایا و منازل شخصی هم به آن اضافه گشت. معلمان مکتب‌خانه‌ها معمولاً روحانیون، سادات، ملاباجی‌ها (معلم مکتب دختران) و دیگر اقشار با سواد جامعه بودند و به تنهایی هم مدیر، هم ناظم و هم معلم محسوب می‌شدند (فخرایی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۴۸). در هر حال مکتب‌خانه‌ها رایج‌ترین سیستم آموزشی ایران قبل از تأسیس مدارس جدید بوده، پایه و اساس نظام تعلیم و تربیت کودکان در کشور محسوب می‌شدند. بررسی تاریخچه وقف در اسلام نشان می‌دهد که در طول دوره‌های تاریخی، واقفان متعدد املاکی را بر مدارس علوم دینی وقف نمودند که به مدد برخورداری از درآمد همین موقوفات در قرون دوم تا چهارم هجری، تحولات علمی مهمی

در دنیای اسلام رخ داد. مدارس مهمی چون مدارس نظامیه در بغداد، مدرسه بیهقیه و سعديه در نیشابور، مدرسه الفاضلیه در قاهره از مدارس مهم و معتبر جهان اسلام بودند که به کمک درآمد موقوفات در ترویج فرهنگ و علوم اسلامی، نقش موثری در جهان اسلام ایفا نمودند (ساعاتی، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۱). مشهورترین مدارس وقفی مربوط به قرن پنجم هجری، مدارس "نظامیه" خواجه نظام الملک است. نظامیه‌های نیشابور، بغداد، اصفهان، آمل، طبرستان، بلخ، بصره و هرات دارای موقوفات متعددی بودند که درآمد آن‌ها صرف مخارج نظامیه‌ها می‌شد. علاوه بر آن دارالعلم‌ها و کتابخانه‌های بزرگ از محل اوقاف به وجود آمدند که وظیفه نشر علوم را بر عهده داشتند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۲: ۸۹).

سهم عمده‌ای از موقوفات در کشورهای اسلامی به ایجاد مدارس و تقویت مراکز علمی اختصاص دارد. صدها مدرسه بزرگ و کوچک در روزگار خلافت عباسیان و پس از آن، از نظامیه بغداد تا دارالعلم‌های بخارا و سمرقند، در سرزمین‌های اسلامی عمدتاً از محل موقوفات، اداره می‌شدند و دانشمندان بزرگی، چون شیخ مصلح‌الدین سعدی و بوعلی‌سینا در همین مدارس وقفی به تحصیل پرداخته، افتخار آفریدند. خواجه نظام الملک طوسی پس از آنکه مدرسه نظامیه بغداد را ساخت، دستور داد تا در اطراف آن، بازار، دکان و گرمابه بسازند و درآمد همه آنها را وقف حقوق استادان و مخارج مدرسه کرد. یکصد سال پیش از آن نیز ابوالحسن بیهقی در نیشابور مدرسه‌ای تأسیس نموده، مبالغ هنگفتی از اموال خود را برای اداره این مدرسه و کمک به دانشجویان شاغل در آن وقف کرد (کسای، ۱۳۵۸: ۷۵).

وقف در امر آموزش و پرورش کشور نقش مهمی ایفا کرده است. مساجد که عموماً وقفی بودند علاوه بر محل انجام فرائض مذهبی، محل تشکیل جلسات متعدد درس و بحث نیز بوده است؛ تا جایی که مدارس اولیه شکل و فرم ظاهری مسجد داشتند. همه این مدارس متکی بر وقف بوده و تحصیل در آن‌ها همگانی و رایگان بوده است. دانش‌آموزان و دانشجویان برای تحصیلات متوسطه و عالی خود هزینه‌ای پرداخت نمی‌کردند و تحصیل در آن‌ها مخصوص قشر خاصی از مردم نبود بلکه امکانات تحصیل برای همه اقشار جامعه فراهم بود (فلاح تفتی، و اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۶).

تاریخچه آموزش و وقف در بیرجند

سرزمین قهستان تا قبل از انقلاب مشروطه به لحاظ آموزشی، امتیاز ویژه‌ای نسبت به دیگر شهرهای شرقی ایران نداشت و فرایند آموزش در بیرجند مانند سایر شهرهای کشور، بر عهده مکتب‌خانه‌ها بود. این شهر ده مکتب‌خانه داشته است که همه با شیوه‌های سنتی، قرآن و متون ساده فارسی را به کودکان (دختر و پسر) می‌آموختند و محصلان از یادگیری خط معاف بودند (ارشاد سرابی، ۱۳۸۷: ۲۱).

مهم‌ترین و مفیدترین حادثه بعد از انقلاب مشروطه در بیرجند، افتتاح دبستان شوکتی بوده است. به‌واقع نخستین مدارس سبک جدید خراسان در منطقه قاینات توسط محمد ابراهیم خان علم ملقب به شوکت‌الملک، حاکم آن ناحیه تحت عنوان "شوکتیه" ابتدا در بیرجند و سپس در دیگر حوزه‌ها تأسیس شد. این مدارس، مستقل از اداره فرهنگ آن زمان و زیر نظر مستقیم شوکت‌الملک اداره می‌شدند و بودجه آن نیز از محل موقوفات برادر بزرگترش، اسماعیل خان تأمین می‌شد (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۱). وقتی که معدل‌الدوله بری اخذ مالیات به بیرجند آمد، شوکت‌الملک او را متقاعد کرد که مالیات موقوفه‌ها در راه تأسیس مدرسه‌ای جدید صرف شود. معدل‌الدوله ضمن تشویق وی، با اختصاص مالیات موقوفات به آن امر موافقت کرد. به این ترتیب شوکت‌الملک در سال ۱۳۲۶ هجری قمری اقدام به تأسیس نخستین مدرسه جدید به نام مدرسه شوکتیه بیرجند نمود و در سال ۱۳۴۰ هجری قمری شوکت‌الملک اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه نمود که برای این منظور مدرسه نسوان در عمارت قلعه در نظر گرفته شد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۳۳). تأسیس شوکتیه ضمن برآورده کردن انتظارات شوکت‌الملک، محل مصرف بهینه موقوفات را هم فراهم می‌آورد. در نتیجه امیر ابراهیم خان پس از مشورت با علمای بیرجند و اخذ موافقت آنان، کلیه هزینه‌های مدارس شوکتیه را از محل درآمد این موقوفات تأمین و پرداخت می‌کرد (همان: ۲۴۸).

قبل از گشایش دبستان شوکتی در شهر بیرجند، یک مدرسه قدیمی به نام مدرسه معصومیه وجود داشت. این مدرسه در سال ۱۱۶۱ هجری قمری توسط امیرمعصوم‌خان خزیمه یکی از دو فرزند امیراسماعیل خان خزیمه از محل موقوفات امیرعلم‌خان اول تأسیس شد که محل تربیت طلاب علوم دینی بود که در حجره‌های آن سکونت اختیار کرده، از محل موقوفات اولیه و کمک‌های

مردمی زندگی می‌کردند (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۵)، در این مدرسه که ویژه طلاب علوم دینی دایر شده بود، تنها صرف و نحو زبان عربی و مختصری از ادبیات عرب (مطول) بعلاوه فقه و اصول تدریس می‌شد (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۴۶). علاوه بر مدرسه معصومیه، مکتب‌خانه‌های متعددی برای پسران و دختران خردسال وجود داشت که پیرمرد یا پیرزنی با قدیمی‌ترین روش تدریس، قرآن و کتب ساده فارسی را به اطفال می‌آموخت. غیر از مدرسه بیرجند، مدرسه جعفریه قاین، مدرسه عتیقه زهان، مدرسه قدیمی خوسف، مدرسه قدیمی درمیان، مدرسه قدیمی گل بود که در هر یک تعدادی طلبه همانند مدرسه معصومیه بیرجند مشغول تحصیل بودند و علوم شرعی را می‌آموختند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۱۲).

شهر قاین، دو مدرسه به نام‌های "معرفت" و "مدرسه قدیمی "جعفریه" داشت؛ این مدارس، پس از مدارس جدید و قدیم بیرجند، از اعتبار خاصی برخوردار بودند. شوکت‌الملک اداره این مدارس را بین سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۳ شمسی به تدریج به اداره فرهنگ آن زمان واگذار کرد و دلیل این تصمیم را می‌توان دخالت‌ها و فشارهای آن اداره در امور مدارس مذکور دانست (خانی‌زاده، ۱۳۸۶: ۶۴).

آموزش و پرورش بیرجند با افتتاح مدارس شوکتی در سال ۱۳۳۵ هجری قمری آغاز به کار کرد و اداره امور مربوط به آن تا سال ۱۳۰۸ به عهده محمدابراهیم خان علم بود. پس از آن به عهده اداره معارف شهرستان بیرجند بود و چندی بعد که مکران نیز به آن اضافه شد به دولت مرکزی واگذار شد. امر تأسیس مدارس شوکتی در نقاط مختلف شهرستان بیرجند در آن روزها، موجب شد که به رغم فواصل زیاد آبادی‌ها از یکدیگر و فقر منطقه تعداد باسوادان این منطقه افزایش چشمگیری پیدا کند. تا جایی که اداره آموزش و پرورش بیرجند طی سالیان متمادی توانست با تربیت افراد تحصیل کرده موجبات گسترش آموزش و پرورش در استان‌ها را فراهم آورد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۳۸-۱۳۹).

در خراسان جنوبی موارد متعددی از وقف بر مراکز آموزشی وجود دارد. میرزا خانلرخان اعتصام-الملک، نائب اول وزارت امور خارجه ناصری در سفرنامه‌اش درباره موقوفات مدارس در جنوب خراسان در دوره قاجار این گونه بیان می‌دارد: «در منطقه قاینات سه مدرسه علمیه وجود دارد، یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند و دیگری در بلوک درخش. مدرسه قاین و بیرجند را از نزدیک دیده‌ام و اوضاع مدرسه درخش را نیز از آقا محمدعلی مجتهد درخشی که به دیدن من آمده پرسیده‌ام. به

هر یک از این مدارس سالی هفتصد تومان از محصول املاک خودش، وظیفه طلاب می‌دهند» (اعتصام الملک، ۱۳۵۱: ۳۱۹).

معرفی حاج عبدالعلی خان

حاج عبدالعلی خان فرزند حاج رضاقلی خان فرزند امیر محمدحسن خان حکمران طبس و کیل الدوله بوده است. خاندان بنی‌شیمان از جمله حاکمان محلی در خراسان بزرگ به‌شمار می‌آیند که حدود دو قرن در دوران سلطنت افشاریه، زندیه و قاجاریه و اوایل دوره پهلوی بر منطقه تون و طبس و نواحی اطراف آن فرمانروایی داشتند. بنی‌شیمان طایفه‌ای از اعراب آل خزیمه بودند که در سال ۱۵۰ هجری قمری به همراه شخصی از بنی‌خزیمه، فرمانده سپاه خلیفه عباسی برای سرکوب شورش استادسیس به قهستان اعزام شدند (قصابیان، ۱۳۸۸: ۹۰۳). آیتی در بهارستان این خاندان را با عنوان خاندان وکالت معرفی و اشاره می‌نماید: «امرای خزیمه را خانواده امارت و مابین این دو سلسله به مواضات عدیده از زمان قدیم اختلاط و آمیزش است و از اولاد میرحسن خان شیبانی چند نفر از بزرگان در ولایت قاین می‌زیسته‌اند از جمله مرحوم عبدالعلی خان که دختر امیرعلم‌خان حشمت‌الملک را به حباله نکاح داشت» (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۲۵). در کتاب فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قاینات که تا سال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۰۲ خورشیدی) توسط ستاد ارتش هند انگلیسی گزارش شده در ذیل معرفی عمادالملک به این مواضات اشاره شده است: «سردار شیبانی‌های عرب‌تبار، سرکرده مورثی و حاکم تون و طبس، این خانواده با امرای قاینات (بیرجند) نسبت فامیلی نزدیک دارند» (رفیعی، ۱۳۹۸: ۱۰۵).

امیر علم خان سوم چهار فرزند داشت که از میان آنها، دختری به‌نام نواب، به ازدواج پسر عمه‌اش حاج عبدالعلی خان از اولاد امیرحسن خان طبسی درآمد (منصف، ۱۳۵۴: ۲۵)، حاج عبدالعلی خان از وابستگان خاندان امیری بود، وی حسینیه بزرگی در اوایل کوچه خواجه‌ها احداث کرد که به نام خود وی شهرت داشت. این حسینیه در ضلع جنوبی آن کوچه و در فاصله دو آب‌انبار حاجی‌خان و حاج علیرضابیک، روبه‌روی منزل آراسته واقع و چندین سال در دهه اول این سده، محل دبستان شوکتیه بود و پس از آن، این مدرسه به حسینیه شوکتیه منتقل شده، یک دبستان دولتی در آن ایجاد گردید

که ابتدا "تدین" و بعد "حکیم نزاری" نامگذاری شد (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۲۵)، (تصویر ۱ و ۲).

منصف در کتاب خویش در خصوص انجام مراسم شبیه‌خوانی در حسینیه ساخته شده توسط حاج عبدالعلی خان می‌گوید: «در اوایل شبیه‌خوانی هم در دو تکیه بزرگ امیر واقع در قلعه بیرجند معمول و مرسوم بود، دهه اول محرم در حسینیه مرحوم شوکت‌الملک برادرش که به‌صورت مدرسه درآمد بود و دهه دوم در تکیه و عمارت کهنه قدیمی که به عمارت مرحوم حاج عبدالعلی خان شوهر خواهرش مرسوم بود و درست مقابل تکیه اول قرار داشت باز در این زمینه اشخاص مستعد و خوش‌آوازی راهی بیرجند می‌شوند و زیر نظر مرحوم نقیب‌السادات هر یک مناسب با آواز و سن سال خویش تعلیمات لازم را می‌دیدند» (منصف، ۱۳۵۴: ۸۲).

در کتاب گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلیس در سیستان و قاینات از مسافرت مادر شوکت‌الملک و حاج عبدالعلی خان به کربلا چنین می‌گوید: «قافله‌ای بزرگ در ۱۸ اکتبر (۱۵ مهر) بیرجند را به مقصد کربلا ترک کرد، مادر شوکت‌الملک و حاج عبدالعلی خان همراه قافله‌اند، شوکت‌الملک تا چند منزل مادرش را بدرقه کرد و مایل بود که تا تهران وی را همراهی کند، ولی موفق نشد که اجازه لازم را کسب نماید، مهر ۱۲۸۹ شمسی» (رفیعی، ۱۳۹۵: ۳۷۰).

در ادامه در جایی دیگر از انتصاب دلبلیو. آر. هوسن^۱ به کنسول‌یاری پادشاه بریتانیا در بیرجند و برگزاری ضیافتی به این مناسبت و حضور حاج عبدالعلی خان به آن جا سخن به میان آمده است که: «اول مارس - ۱۰ اسفند- امروز ضیافتی به مناسبت انتصابم به سمت کنسول‌یار در بیرجند ترتیب دادم. حضور تعداد بسیار زیادی (در حدود ۶۰ نفر) که کاملاً غیر منتظره بود، باعث خشنودی و سرفرازیم شد. باید اشاره‌ای به مهربانی و دوستداری حسام‌الدوله بکنم که در پاسخ به دعوت‌م، نامه بسیار قشنگی مرقوم فرموده و دو نفر نماینده از علی‌آباد فرستاده بودند. عالی‌جناب عبدالعلی خان، خویشاوند شوکت‌الملک، شخصاً به میهمانی تشریف آوردند. این شخصیت سالخورده هرگز در مراسم رسمی حضور نمی‌یابند» (رفیعی، ۱۳۹۴: ۲۶۳).



تصویر (۱) جمعی از معلمان و شاگردان در مدرسه تدین (راشد محصل، ۱۳۸۸: ۳۴۶)



تصویر (۲) نمایه از مدرسه و معلمان و شاگردان در محل مدرسه حاج عبدالعلی خان (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۶)
موقوفات حاج عبدالعلی خان

در خصوص معرفی موقوفات وی در تحلیل و بررسی این سند می‌توان این گونه اظهار داشت که حاج عبدالعلی خان در سنه ۱۳۲۰ هجری قمری برای ذخیره آخرت خویش در حال صحت نفس و کمال عقل، اموال خود را به حاج شیخ محمدهادی فرزند حاج ملاحسین بیرجندی از علمای طراز اول بیرجند واگذار کرد؛ سپس شیخ محمدهادی این املاک را مطابق نیت وی وقف مصارف مختلف نمود. نقش علمای روشنفکر همچون آیت‌الله هادوی در جهت‌دهی و تشویق حاکمان به وقف در مورد موقوفه حاج عبدالعلی خان کاملاً هویداست.

بر اساس اسناد وقفی به‌جا مانده، این‌طور استنباط می‌شود که وی در زمان حیات خویش شروع به ساخت مجموعه‌ای فرهنگی شامل مسجد، حسینیه و مدرسه علمیه کرده، املاک و مستغلات فراوانی را بر این مجموعه وقف می‌نماید، اما قبل از اتمام این مجموعه دار فانی را وداع می‌گوید و کارش نیمه‌تمام می‌ماند که استشهدیه ۱۳۳۰ هجری قمری این موضوع را تأیید می‌نماید. علاوه بر این در متن وقفنامه نیز به این وقف به صراحت اشاره شده است: «وقف موبد شرعی و حبس مخلد دائمی ملی فرمودند سرکار مصالح له دام ظلله همگی املاکات مفصله مرقومه در فوق را اولاً مادام - العمر مصالح دام اقباله بر خود سرکار مصالح و بر صرف و خرج و تعمیر عمارتی که مسمی است به مسجد و حسینیه و مدرسه و حوض‌انبار متصل به آن که خود سرکار مصالح متولی تعمیر و ساختن آن می‌باشند» (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ ق.).

از مرحوم حاج عبدالعلی خان سه سند وقفی و یک استشهدیه به‌جا مانده است که مهم‌ترین آنها - که مبنای این پژوهش نیز است - سند وقفی سال ۱۳۲۰ هجری قمری است که توسط عالم بزرگ شهر شیخ محمدهادی هادوی تنظیم شده است. علاوه بر این وقفنامه، در سال ۱۳۱۵ هجری واقف دو سهم میاه از مزرعه علی‌آباد با جمیع ملحقات - دو سهم میاه از مدار چهارده سهم مزرعه رضویه واقعه در جنب مزرعه اکبرآباد - را برای مصارف تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء (ع) و نیز خرج یک یا چند نفر جهت زیارت عتبات عالیات و مشهد مقدس به نیابت از خودش وقف نموده است (همان: ۱۳۱۵ ق.).

در سنه ۱۳۱۹ هجری قمری واقف مذکور دوازده سهم از تمام مزرعه طاهرآباد واقعه در بین بیدان

و سورگ و تمامی باغ شاه واقعه در مزرعه مزبوره بیدان با منازل مزبور به همراه تمامی ملحقات را بر روضه‌خوانی شهادت حضرت علی اکبر (ع) در ماه محرم و پخش نذری خرما به عامه مردم، تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء (ع) در ماه صفر، تعزیه‌داری در روز وفات حضرت صدیقه‌الکبری (س) و روضه‌خوانی در روز وفات حضرت صدیقه صغری زینب خاتون وقف نمود (همان: ۱۳۱۹ق).

همان‌طور که ذکر شد بر مبنای سند وقفی سنه ۱۳۲۰ قمری، واقف املاکی چون خانه، مزارع، باغ، آسیاب، نهر و قنات را در روستاها و مناطق اطراف بیرجند وقف نموده است که در مسجد، حسینیه، مدرسه و حوض انبار متصل به آن - که وی تا زمان حیات، متولی تعمیر و ساختن آن بوده است - صرف مواردی شوند که در ادامه به ذکر آنها خواهیم پرداخت؛ اما در اثنای ساخت و تعمیر مدرسه، حاج‌عبدالعلی‌خان، دار فانی را وداع می‌گوید و طی این امر، استشهدان‌نامه‌ای از بزرگان، تجار و عالمان شهر تهیه شده که مؤید این مطلب است: «استشهاد و استعلام می‌شود از حضرات علماء و اعیان و تجار و ابرار کسانی که اطلاع دارند که مرحوم مغفور جنت مکان حاجی‌عبدالعلی‌خان طاب‌ثراه املاکی را موافق وقف نامچه صحیحه که مهورات به مهر اشخاص ثقه بر مدرسه جدیدالبناء و غیرها مطابق آن چه در وقف‌نامه مندرج است، وقف فرمود به رای‌العین و یا بشیاع و تواتر شنیداند که آن مرحوم خشت مدرسه وقفی معلوم‌المکان را بدست خود بکار زده‌اند و شروع در تعمیر نموده‌اند و چون اجل مهلت نداد، معوق مانده، مستدعی است که معلومات خود را در حشو همین ورقه مرقوم فرمایند و کتمان شهادت را جایز ندانند فی شهر ربیع‌الاول ۱۳۳۰» (آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳).

در استشهادیه مذکور آیت الله محمدهادی هادوی هم در کنار سایر بزرگان شهر وقفی بودن مدرسه را تأیید نموده‌اند: «بسم الله الرحمن الرحیم این کمترین خادم شریعت مطهره واقف حسینیه مستشهد عنها بود یعنی مرحوم حاجی‌عبدالعلی‌خان املاکاتی را به موجب تفصیل که در وقف‌نامه درج است به اینجانب صلح فرموده و اینجانب بر حسینیه و مدرسه مزبوره وقف نموده و بنای مدرسه را نیز خود مرحوم حاج‌عبدالعلی‌خان به اتفاق اینجانب فی ملا من الناس گذاشته و مناقشه در صحت و لزوم این وقف مناقشه در متواترات است و آله علی کتبت شهید حرره الاحقر محمدهادی فی یوم‌الثانی عشر من نهم ربیع‌المولود ۱۳۳۰ مهر بیضی: محمدهادی» (همانجا).

مصارف

یکی از موارد در خور توجه در موقوفه حاج عبدالعلی خان، تنوع مصارف خیریه و منتفع شدن همه طبقات بویژه طالبان علم بوده است که به اختصار عبارتند از: عزاداری امیرالمؤمنین (ع) در شب‌های قدر و عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) در ماه محرم، (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ق.). مخارج مدرسه و حسینیه، اطعام فقرا، تهیه فرش حجره‌های مدرسه و مسجد، پرداخت هزینه‌های طلاب ساکن در حجره‌های مدرسه، جهت خرید کتاب، مستمری معلمان، تعمیر و نگهداری بناهای وقف شده، خرج در روز عید قربان، جهت کفن و دفن فقراء، زیارت به نیابت از واقف در سوریه یا مکه، پرداخت هزینه‌های امام جماعت مسجد، روشنایی مسجد، دالان و حجره‌های مدرسه، مواجب خادم مدرسه، مواجب مؤذن، عیدی به فقرا در روز عید غدیر، استخدام چهار نفر جهت خدمات رسانی در ایام عزا یا ایام متبرکه، خریدن خرمای شمسای در روز عید فطر، دادن سالی سه خروار گندم به حاجی سید علی ابن مرحوم سید یوسف حسینی بیرجندی و صدقه در عصر پنج شنبه هر ماه به مساکین امامی مذهب به اختیار متولی.

تولیت

تولیت املاک وقفی تا زمان حیات واقف با خود وی بوده و پس از وفاتش آن را بر عهده حاج شیخ محمدهادی هادوی و سپس محمدابراهیم خان فرزند امیرعلم خان و بعد از آن اولاد ذکورشان و در صورت عدم اولاد ذکور به اولاد ذکور از اناث و در نبود هیچ کدام بر عهده‌ی حاکم شرع بلده بیرجند قرار داده است (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ق.).

نمود وقف در مدرسه حاج عبدالعلی خان

در برخی شهرهای ایران از جمله بیرجند، بنا به نیازهای آموزشی، در دوره‌هایی حسینیه‌ها کارکردهای آموزشی پیدا کرده و در امر آموزش ایفای نقش کردند؛ زیرا حسینیه‌ها از تمامی امکانات

لازم از لحاظ کالبدی و معنوی برخوردار بوده و از هر حیث مناسب به نظر می‌رسید. از حاج عبدالعلی خان سه وقف نامه و یک استشهادیه بدست آمده است که وی املاک و اموال خود، اعم از مزارع، باغ، سهم قنات و منازل را وقف اموری چون آموزش و پرورش طلاب و دانشجویان، برگزاری مراسم عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) و دستگیری از مستمندان و فقرا کرده است. موقوفه حاج- عبدالعلی خان با توجه به کاربرد چندگانه‌اش به‌عنوان حسینیه جهت عزاداری حضرت سیدالشهدا (ع) و مدرسه جهت آموزش دانش‌آموزان و طلاب حائز اهمیت بوده، نکاتی که واقف با نکته سنجی خود در این خصوص یادآور شده نشانگر دغدغه وی در امر آموزش و فرهنگ شهر بیرجند بوده است. این نکات از این قرارند:

۱- توجه به امر عزاداری در ایام ماه محرم و ماه رمضان و اطعام طلاب مدرسه که در متن وقف- نامه اشاره شده است: «جهت صرف عزاداری امیرالمؤمنین علیه السلام در لیالی قدر که لیله نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم شهر صیام بوده باشد که در هر شبی از شصت نفر وعده بگیرند از طلاب مدرسه مذکوره و خارج از مدرسه از مؤمنین که از اشراف بوده باشند و در حالی که خارج از مدرسه باشند شرط است که غیر اشخاص لیله ماضیه باشند و الا هر شب سه نفر از قراء مرانی روضه بخوانند و بعد مستمعین را طعام دهند در ایوان بزرگ یا در اطاق و هر شبی پانزده مجموعه طعام که سی تومان خرج شود که خرج اطعام سه شب از همه لوازم نود تومان بوده باشد رایج خزانه عامره تقدیم سه نفر روضه‌خوان سه تومان. همه ساله جهت عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه- السلام در عشر آخر شهر محرم الحرام در مدرسه و حسینیه مزبوره صرف شربت و قهوه و قلیان و تنباکو و باقی لوازم بیست و پنج تومان تقدیم حضرات روضه‌خوانها و پامنبری‌ها و علمدارها و چهل تومان رایج تقدیم به [یک کلمه ناخوانا] منبر پنج تومان جمع سه قلم رایج هفتاد تومان یوم عاشورا پیش از اینکه عزاداران بر حسینیه قلعه بروند، در مدرسه مذکوره بعد از اجتماع عزاداران سه نفر مرثیه‌خوان تعزیه ابوالفضل العباس را بخوانند تقدیم سه نفر مرثیه‌خوان دو تومان رایج خزانه عامره صرف قهوه و قلیان و تنباکو دو تومان».

۲- تأمین مخارج طلاب ساکن در حجره‌ها: «طلاب ساکنین حجرات مدرسه که عبارتست از هیجده اطاق، اطاقی ماهی یک تومان جمعاً دوپست و شانزده تومان رایج. جهت تنباکو و انگشت

(زغال) طلاب سالی شش تومان».

۳- خرید سالانه کتاب و وقف آن در کتابخانه مدرسه جهت استفاده طلاب: «جهت خرید کتاب که همه ساله خریده شود و وقف شود و به کتب موجود افزوده شود و در دفتر ناظر و متولی ثبت شود سی تومان رایج».

۴- دستگیری مستمندان و فقرا: «اطعام سیصد نفر از فقراء و مؤمنین در سه شب، شبی صد نفر، نفری نیم من نان به وزن قاین که سه شب صدوپنجاه من نان باشد - به جهت کفن و دفن فقراء که مستاصل باشند، سالی دوازده تومان رایج - یوم عید غدیر در ایوان مدرسه، متولی به عموم فقراء بدهد از سید و غیر سید سالی سی تومان به سید نفری دو هزار و غیر سید نفری یک هزار - شصت نفر از فقراء اعم از سید و غیر سید نفری یک قران، هر کس متولی صلاح بداند واضح باشد که تومان هر جا ذکر شود، مراد رایج خزانه عامره می باشد که هر تومانی ده قران بوده باشد - عصر پنجشنبه هر ماه به مساکین امامی مذهب بدهند، یک تومان رایج هر مسکین یک شاهی خراسانی که هر هشت شاهی آن یک هزار است و با تعدد و کثرت مساکین اختیار با متولی خواهد بود».

۵- توجه به نوسازی و تعمیر هر ساله مدرسه: «سالی چهل تومان رایج صرف تعمیر همه ساله به هر صورت که لازم باشد با ترتیب اولویت اهمیت آنها. همچنین اجرت برف انداز و ناودان داخل در وجه تعمیر است - جهت روشنی حجرات و مسجد و دالان مدرسه به قرار اطاقی ماهی یک قران که عبارت از یک هزار رایج باشد مسجد و دالان کذالک جمعاً سالی سی تومان رایج مقررأً روشنی مسجد سالی شش تومان روشنی دالان دو تومان و چهار هزار حجرات ماهی یک قران که جمعاً سالی سی تومان مزبور باشد - جهت فرش حجرات و مسجد به هر نحو که ممکن باشد از گلیم و یا نمد و یا قالی همه ساله سال هیجده تومان رایج - جهت مخارج آب کردن آبانبار و کشیدن لای آن و لای دریاچه وسط مدرسه و اصلاح شیر حوض انبار سالی شش تومان. صرف چراغ حوض انبار سالی یک تومان و هشت هزار».

۶- پرداخت اجرت مُدرّسان مدرسه: «مستمری یک نفر معلم که در اطاق دالان باشد و همه وقت دوازده نفر از اطفال فقیر را از سادات و غیر سادات تعلیم قرائت قرآن نماید و همچنین صد کلمه و رساله مسائل شرعیه معلم، روزی [یک کلمه ناخوانا] موجب اطفال دوازده نفر روزی سه هزار جمع

آنها سالی صدوچهل و چهار تومان - مدرسی که در مدرسه به تدریس علم فقه و اصول اشتغال داشته باشد در ایام تحصیل طرف صبح و عصر هر روزه تقدیم خود مدرس سالی بیست تومان رایج خزانه عامره جهت تنباکو و انگشت [= زغال] طلاب سالی شش تومان. وقت تدریس مدرس در تمام سال در ایام تحصیل سالی شش تومان رایج خزانه عامره».

۷- استخدام خادم و سکونت وی در آنجا جهت خدمت همه روزه به مدرسه و طلاب: «یک نفر خادم مدرسه که شب را در مدرسه بیتوته نماید و روز مشغول خدمات طلاب باشد سالی دوازده تومان گندم به وزن قاین، سالی سه خروار جو رقه سالی یکصد من».

نتیجه

احساس نیاز به تأسیس مراکز آموزشی و تأمین پشتوانه مالی برای آن سبب شد که سنت حسنه وقف چنین خلأ و کمبودی را در جوامع اسلامی پر نماید. از آن جمله وقف مراکز آموزشی و تأمین منابع مالی برای ساخت مدارس، انجام مراسم دینی، مخارج طلاب و هزینه‌های مربوط به آنان و ... بوده است. بیرجند نیز از این قاعده مستثنا نبوده و موقوفاتی برای این منظور از سوی واقفان در نظر گرفته شده است. موقوفه حاج عبدالعلی خان یکی از این موقوفات است که واقف ضمن در نظر گرفتن مشکلات آن زمان و فراهم آوردن امکانات کافی جهت برپایی یک مدرسه، با نکته سنجی‌های خود تدابیری اندیشیده که با پشتوانه مالی‌ای که از طریق رقبات وقف نامه‌ها تأمین می‌شده است، موجبات دوام و برقراری این بنای چندمنظوره را فراهم آورد. با تحلیل و بررسی وقف نامه در می‌یابیم که فضا و فعالیت مدرسه با زندگی اجتماعی و مذهبی آن‌ها عجین بوده و این بنا در روزهای خاص، بویژه در دو ماه محرم و صفر، جهت برگزاری مراسم عزاداری، به‌عنوان حسینیه استفاده می‌شده است. علاوه بر این، نکته سنجی‌های واقف در توجه به مسکن طلاب کم بضاعت، میزان حقوق مدرسان و طلاب، استخدام خادم جهت خدمت رسانی به مدرسه و طلاب، تأمین کتاب و ... حاکی از توجه وافر واقف به امور آموزشی و مذهبی شهر بیرجند بوده است.

منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان: در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ارشاد سرابی، اصغر (۱۳۸۷). "مدرسه شوکتیه بیرجند: چگونگی تأسیس، آموزش، کتاب‌ها، معلمان و امتحانات". *آینه پژوهش*، دوره ۱۹، ش ۵ (بهمن و اسفند): ۲۰-۲۷.
- اعتصام‌الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: بی‌نا.
- جوادی، محمد (۱۳۸۸). "ضرورت حضور وقف در رشد فرهنگی جامعه". *وقف میراث جاویدان*. سال هفدهم، ش ۶۶ (تابستان): ۴-۹.
- خانی‌زاده، مهدی (۱۳۸۶). "تاریخچه مدارس شوکتیه بیرجند". *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، سال دوم، ش ۴ (بهار و تابستان): ۵۵-۷۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۳۱. ذیل واژه "وقف".
- رضایی، جمال (۱۳۸۱). *بیرجندنامه*. تهران: هیرمند.
- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۲). *جستاری در تاریخ فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. بیرجند: رزقی.
- _____ (۱۳۸۸). *از شوکتی تا دولتی: جستارهای فرهنگی درباره شرق ایران*. به کوشش محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- رفیعی، محمود (۱۳۹۴). *گزارش‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات*، ج ۱ تهران: هیرمند.
- _____ (۱۳۹۵). *یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات*، ج ۳. تهران: هیرمند.
- _____ (۱۳۹۸). *فرهنگ رجال، قبایل و افراد در خراسان، سیستان و قاینات*. گردآوری ستاد ارتش هند انگلیس. ترجمه محمود رفیعی. بیرجند: چهاردرخت.
- ساعاتی، یحیی محمود (۱۳۷۴). *وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی*. ترجمه احمد امیری

- شادمهری. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سعیدی رضوانی، عباس (۱۳۷۲). *بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی: مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (۱۳۶۴). *نگاهی کوتاه به سنت نبوی وقف*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهرامی، بیژن (۱۳۸۲). "راهکار وقف در حل مشکلات جامعه". *وقف میراث جاویدان*، سال یازدهم، ش ۴۱-۴۲ (بهار و تابستان): ۲۵-۴۱.
- عمید، حسن. *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۱. ذیل واژه "وقف".
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۳). *گیلان در جنبش مشروطیت*، ج ۲. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- فلاح تفتی، سمیه؛ اکبرنژاد، محمد (۱۳۹۴). "کارکردهای آموزشی و پرورشی وقف". در: *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی*. استانبول: مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا: ۱-۱۱.
- قصابیان، محمد (۱۳۸۸). "نگاهی به سلسله نسب و شجره بنی‌شیبان (حکمرانان تون و طبس)". *پیام بهارستان*، دوره دوم، ش ۶ (زمستان): ۹۰۳-۹۰۸.
- کسایی، نورالله (۱۳۵۸). *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی اجتماعی آن*. تهران: امیرکبیر.
- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۲). "بیرجند در ۱۳۰۰ شمسی". در: *جستاری در تاریخ فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. به کوشش محمدرضا راشد محصل. بیرجند: رزقی.
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*، ج ۲. ذیل واژه "وقف".
- منذر، کهف (۱۳۸۵). "مروری بر وضعیت وقف در جهان اسلام". ترجمه محمد رصافی. *وقف میراث جاویدان*، سال چهاردهم، ش ۵۳ (بهار): ۶۱-۷۰.
- منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت‌الملک علم: امیر قاین*. تهران: امیرکبیر.
- نوری، محمد (۱۳۷۹). "نگاهی معرفت‌شناسانه به وقف اسلامی". *وقف میراث جاویدان*، سال هشتم، ش ۲ (تابستان): ۴۲-۴۹.

اسناد

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه عادی حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۱۵ق. با کلاسه پرونده ح-۲۱۲.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه عادی حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۱۹ق. با کلاسه پرونده ح-۳۷۶.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ق. با کلاسه پرونده ع-۳۷۳.